

چند خط تاریخ

رضاشاه به روایت آرتور میلسپو



«آرتور میلسپو» که در تاریخ معاصر با سبمت خزانهداری ایران شناخته می‌شود، طی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ ه‍.ش و بعدها، بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ه‍.ش، مسئولیت تنظیم و اداره امور مالی ایران را بر عهده داشت. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دوران نخست حضور «میلسپو» در ایران، با قدرت گرفتن و سپس، به سلطنت رسیدن رضاخان، همزمان بود. او بعدها، پس از بازگشت به کشورش، خاطرات خود از ایران را به رشته تحریر درآورد و در آن به تشریح دیدگاه‌های خود درباره پهلوی اول پرداخت.

■ مردی فاقد قیود اخلاقی

«میلسپو» در خاطراتش که با عنوان «آمریکایی‌ها در ایران» منتشر شده است (ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ صفحه ۵۰ تا ۵۳)، می‌نویسد: «هنگامی که من با رضاشاه آشنا شدم، او را بیشتر فاقد قیود اخلاقی یافتم تا هرزه و فاسد ... رضاشاه، بی‌شک به فعالیت و زرنگی بیشتر اهمیت می‌داد و نادرستی را هم، بی‌شک با سلیقه‌اش جور می‌یافت و بیشتر مایل بود آن را وسیله کارش قرار دهد ... با گذشت زمان، او مشاوران قدیمی ووفادار خود را کنار گذاشت و بدترین عناصر کشور را، پیرامون خودش جمع و این عده را، هم‌دست خود کرد؛ به آن‌ها امتیازات گوناگون اعطا می‌کرد و با دقت شگفت‌انگیزی، هر ذالتی را با پاداش و هر فضیلتی را با مجازات پاسخ می‌داد. در عین حال، خودش را به ملت تأثیر پذیرش، به عنوان نمونه مجسم فساد معرفی کرد.» او می‌افزاید: «هنگامی که من هنوز به قدر کافی نژادیک و شاهد رویدادها بودم، مواردی از بی‌رحمی توجهم را جلب کرد. ولی پس از نخستین سال‌های سلطنتش، ترور و خفقان، گسترش یافت ... وقتی من مجدداً به ایران بازگشتم، به من خبر دادند که او هزاران نفر را زندانی و صد‌ها نفر را به قتل رسانده که بعضی از این اقدامات، به دست خودش بوده است. به من گفتند که بسیاری از رجال و شخصیت‌ها در زندان مسموم یا با آمپول هوا کشته شده‌اند ... تقدس مذهبی یا حرمت اماکن مقدسه نیز، دیکتاتور را از اعمال خستون باز نمی‌داشت. او به زیارتگاه‌هایی احترامی، روحانیون را مضروب و مقتول و وحشت را بر هموطنانش مستولی کرده بود. در زمان او، هیچ کس نمی‌دانست به چه کسی می‌تواند اعتماد کند و هیچ کس جرئت نمی‌کرد اعتراض یا انتقاد کند.»

صدر اعظم‌های قاجار در قاپ یک کتاب

اسماعیلی-کتاب صدر التواریخ، نوشته محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، از رجال تحصیل کرده دربار ناصرالدین‌شاه، یکی از معدود آثار، است که در آن، به

صورت اختصاصی، موضوع زندگی و اقدامات صدر اعظم‌های دوره قاجار و سرنوشت آن‌ها، تا زمان حیات نگارنده، بررسی شده است. اعتمادالسلطنه، فرزند حاجی علی‌خان، فراشیاشی ناصرالدین شاه بود. پدرش، به امر شاه، امیرکبیر را در حمام‌فین کاشان به شهادت رساند. اعتمادالسلطنه برای تحصیل به اروپا فرستاده شد و در دانشگاه پاریس، به فراگیری تاریخ، جغرافیا و ادبیات فرانسه پرداخت. کتاب صدرالتواریخ، با روایت زندگی حاج ابراهیم‌خان کلاتر، صدراعظم آقا محمدخان و فتحعلی‌شاه، آغاز می‌شود و با نقل وقایع حیات میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، خاتمه می‌یابد. یکی از فصول بسیار مهم کتاب، به زندگی امیرکبیر و اقدامات او اختصاص دارد که بسیار درخور توجه است. روایت نویسنده از اقدامات میرزاتقی‌خان، شامل دیده‌ها و شنیده‌های خود او می‌شود؛ اعتمادالسلطنه با آن که دست‌پدرش به خون امیرکبیر آلوده بود، اما در نگارش کتاب از جاده انصاف منحرف نشده و تلویحاً به تکریم و ستایش از اقدامات امیرکبیر پرداخته است. این کتاب از زشمند را محمد مشیری تصحیح کرده و حاشیه‌های ارزشمندی بر آن افزوده و فهرست نام و عنوان‌هایی را برای استفاده بهتر از اثر، به آن اضافه کرده است.

عادت‌های عجیب و غریب قبله عالم که کمتر درباره آن‌ها شنیده‌اید

ناصرالدین شاه؛ «باب‌راس» قاجارها!

مجموعه‌ای از نقاشی‌های ناصرالدین‌شاه



بود که بعضی وقت‌ها، عمداً تیرش به خطا می‌رفت و غلامان دربار را هدف قرار می‌داد و از کشتن آن‌ها حظ‌وافر می‌برد!

■ شاه عکاس

چهارمین شاه قاجار، به عکاسی هم علاقه داشت. می‌گویند وقتی برای نخستین بار یکی از معلم‌های مدرسه دارالفنون از او عکس گرفت، احساس کرد که در عالم‌هنر عکاسی، نام ناصرالدین شاه کم است! با خودش گفت این همان گمشده‌ای است که مدت‌ها به دنبالش بوده و همان عرصه گسترده‌ای است که می‌تواند استعدادهای نهانی‌اش را در آن، به منصه‌ظهور برساند! ناصرالدین شاه تقریباً در هر مناسبتی از خودش و اطرافیان عکس می‌گرفت. او را باید نخستین سلفی‌گیر تاریخ ایران هم بدانیم؛ تصویری از شاه قاجار و تعدادی از زنان حرم‌سرای وی وجود دارد که توسطوی و از داخل آیینه برداشته شده است.

باید انصاف داد که ناصرالدین شاه در خلق تکنیک‌های عکاسی، نیمچه استعدادی هم داشته است.

■ وسواس در سلامت جسم

ناصرالدین شاه، تنی سالم داشت؛ خیلی باوقار و خوش‌اش، حیوان گفته بود، به عقوبت سخت می‌رسانید و روز دیگر، با خدم و حشم، راهی شکارگاه‌های اطراف تهران می‌شد و دمار از روزگار حیوانات بخت‌برگشته در می‌آورد و با جسد بی‌جان آن‌ها، فیگور می‌گرفت و عکس می‌انداخت. بنابراین، او به شکل خودش دوستدار حیوانات بود و حتی در سفر فرنگ، پُرش را به فرنگی‌ها می‌داد که حامی حیوانات است. البته ماجرای شکار ناصرالدین شاه هم تفاوت‌هایی با دیگر شکارچیان داشت که شنیدنش خالی از لطف نیست؛ شاه هنگام شکار، گاهی هوس می‌کرد به جای آهو و قراول، آدمیزاد شکار کند؛ این

دو نمونه از عکس‌های سلفی ناصرالدین شاه

مجرمی در چاله اعدام!

پیش از استقرار مشروطیت در ایران و تدوین تدریجی قوانین، حاکمان و داروغه‌های شهر، عموماً بر اساس نظر خودشان، برای مجرم مجازات‌هایی در نظر می‌گرفتند. این مجازات‌ها عموماً سنجینی با نوع جرم‌نداشت؛ ضمن آن که در بسیاری از مواقع، اصولاً مجرم، مرتکب جرمی نشده بود و داروغه و حاکم شهر، می‌خواستند با مجازات شدید و وحشیانه یک فرد، از دیگران زهر چشم بگیرند و مانع شیوع جرایم در جامعه شوند. این روش، در بسیاری از موارد جواب نمی‌داد و تبهکاران بدون واهمه کارشان را ادامه می‌دادند. با این حال، استعداد و قدرت تخیل حاکمان و داروغه‌ها، برای در نظر گرفتن مجازات، قابل تأمل بود؛ از بستن به توپ تا گچ گرفتن کنار جاده و زنده دفن کردن و... الگوهایی بود که برای مجازات خاطیان در نظر گرفته می‌شد. در تصویری که ملاحظه می‌کنید، مرد مجرمی را تا گردن در چاله فرو کرده و اطف‌افش را با گل و لای انباشته‌اند. او باید آن قدر در این حالت بماند تا بمیرد! عکس توسط آنتوان سوروگین، عکاس گرچی‌تباری گرفته شده است که در دوره قاجار به ایران آمد و تصاویر او در زمره بهترین عکس‌های برج‌مانده از این دور ه تاریخی محسوب می‌شود.

گزارش تاریخی

وقتی زنان تبریزی برای دفاع از وطن، مسلح شدند

بانوان تاریخ ساز ایران زمین

رودسری- زنده‌یاد «عبدالعظیم رضایی» در جلد چهارم کتاب «تاریخ ده هزار ساله ایران»، بخش مهمی از نوشته‌های خود را به مبارزات مردم غیور تبریز، علیه استبداد محمدعلی‌شاهی و همچنین، شخصیت و مبارزات ستارخان، سردار ملی، اختصاص داده است. پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط مستبدین، تبریزیکی از نخستین نقاطی بود که برای نجات مشروطه و مبارزه با استبداد، به قیام را برافراشت. در این میان، مبارزان تبریزی، به رهبری ستارخان و باقرخان، با استقرار در محله امیرخیز تبریز، توانستند نظامیان محمدعلی شاه را عقب برانند. اقدام آن‌ها، در شرایطی که سراسر کشور در سکوتی تلخ فرو رفته بود، کورسوی نجات را در دل ایرانیان روشن کرد و باعث امیدواری آن‌ها به نجات سرزمین‌شان از چنگال استبداد شد. ستارخان و یارانش در حالی به مبارزه خود با نیروهای استبداد ادامه می‌دادند که از هر سو در محاصره بودند و راه رسیدن از آق به آن‌ها بسته شده بود. در آن شرایط دشوار و سخت، تنهاروح وطن‌دوستی و غیرت مسلمانی می‌توانست به داد مبارزان تشنه، گر سنه، خسته و وزخمی محله امیرخیز برسد.

■ زنان دوشادوش مردان

اما در این معر که و آزمون سخت، تنها مردان حضور نداشتند؛ بلکه بانوان غیور آذربایجانی نیز، دوشادوش همسران، پدران و برادرانشان، سلاح به دست گرفتند و به نبرد با دشمن پرداختند. این رویکردی است که در تمام ادوار تاریخ ایران، به‌ویژه در ۱۰۰ سال گذشته، شاهد بروز و ظهور آن بوده ایم. مردان غیور آذربایجان، راضی به حضور بانوانشان در معر که نبرد نبودند و ترجیح می‌دادند که آن‌ها در پشت جبهه، به تیمار مجروحان و حمایت از پیران و کودکان مشغول باشند. با این حال، گاه پیش می‌آمد که بانویی، بی‌آن که کسی بداند، در جامه مردانه و به صورت مخفیانه، اسلحه به دست می‌گرفت و رودرو با دشمن، به نبرد می‌پرداخت. خوشبختانه، صفحات تاریخ، یادو خاطره این شیرزنان میدان نبرد را به خوبی حفظ کرده است.

■ دخترم، مگر من مرده‌ام!

زنده‌یاد «عبدالعظیم رضایی» در متن شورانگیز کتاب خود می‌نویسد: «یک روز مجاهدی را به انجمن حقیقت آوردند تا او را معالجه کنند. مجاهد سر به زیر داشت و نمی‌گذاشت زخمش را ببندند. ستارخان به او نزدیک شد و گفت: چرا از معالجه خود جلوگیری می‌کنی؟ مجاهد تبریزی، دیده به دیده ستارخان دوخت؛ اشک در چشمانش حلقه زد و گفت: من دخترم و این‌ها نامحرم. ستارخان شگفت زده شد و پرسید: دخترم مگر من مرده بودم که تو به میدان آمدی؟ دختر گفت: صدها مثل من، دختر در لباس مردانه می‌جنگند.»

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

جناب آقای دکتر صادقی

بدینوسیله انتصاب شایسته و بحق حضرتعالی را در سمت **ریاست دادگستری استان خراسان رضوی** تبریک عرض نموده توفیقات روزافزون شما را در مسیر خدمت به مردم شریف از خداوند متعال مسئلت دارم.

ارادتمند: سیدمحمد کاشف حسینی

۱۳۸۰/۸/۵۱۶

پذیرش غیر حضوری آگهی های تبریک، تقدیر و تشکر

پذیرش تلفنی:

۳۷۰۰ ۹۹۹۹

پذیرش تلگرافی:

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

نوه عزیزم سرکار خانم مهسا قاسمپور

قبولی شما در رشته دندانپزشکی مشهد

را به شما و خانواده عزیز تبریک عرض می نماییم.

با امید موفقیت های روزافزونت

عباس ظریف و بانو

۱۳۸۰/۸/۶۰۹

جناب آقای دکتر شهرام امیری فر

قبولی شما در آزمون تخصصی دندانپزشکی دانشگاه تهران،

مایه افتخار و مباهاتمان گردید. در

پرتو الطاف الهی همیشه سالم و

پرویز باشید.

پدر و مادر- آرمان و وحید امیرکونه زاده

۱۳۸۰/۸/۶۰۰

خواهر عزیزم

سرکار خانم دکتر یگانه آریان

قبولی شما را در رشته

جراحی فک و صورت

خدمتتان تبریک عرض می نماییم

و بهترین ها را برایتان آرزو مندیم.

دکتر یوسفی - دکتر آریان

۱۳۸۰/۸/۱۰۷

فروشنده حرفه‌ای می تواند با

مشاهده ظاهر، پوشش و محل کسب و کار زندگی مشتری نکات زیادی را پیدا کند

باسمه تعالی

بدینوسیله مراتب قدر دانی خویش را

از حسن تدبیر و تلاش موفق

جناب آقای مهندس علیرضا نصیری

مدیرکل محترم راه آهن خراسان رضوی

و جناب آقای نادر افشار

معاون محترم شرکت قطار رجا استان خراسان

و نیز پرسنل محترم راه آهن مشهد و قم

جناب آقایان مشروعی فر، امیر داورپناه

شریعتی، عباس آبادی و موسوی

که با تلاش صادقانه در جهت تکریم ارباب رجوع

به این مرز و بوم خدمت می کنند تقدیم می دارم.

دکتر مژگان محمدی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۱۳۸۰/۸/۲۶۶

آدمیان به لیخنبدی که بر لب‌ها می‌نشانند و به دردی که می‌کاهند در یادها می‌مانند.

ریاست و مدیریت محترم

بیمارستان طالقانی

جناب آقای دکتر وجدانی

جناب آقای دکتر دهقان

پرسنل محترم اورژانس و بخش سوانح

نامتان تا ابد در قلب هایمان می ماند

که با فرهیختگی و دانش والايتان

آرامش دردهایمان بودید.

دانش تبریزی - احمدنژاد

۱۳۸۰/۸/۲۶۶

قاپ تاریخ

